

جایگاه مؤلفه‌های انتظام‌بخش در ارتقای تمدن نوین اسلامی در مقوله پیشگیری از جرم

محسن غلامی رزینی^۱

مسعود سلطانی^۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۳/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۶

فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی ناجا / سال چهارم / شماره یازدهم - بهار ۱۳۹۸ * ۶۱-۸۹

چکیده

زمینه و هدف: در عصر حاضر موضوع تمدن نوین اسلامی همواره با مفهوم انتظام اجتماعی گره خورده و بیشتر متفکران تمدن را با مدنیت و شهرنشینی خلط کرده‌اند. انتظام اجتماعی به معنی نبود آشوب نیست، بلکه بخش عمده آن احساس امنیت و نبود آشوب ذهنی است. به عقیده هگلی، اگر امنیت صرفاً برای امنیت باشد، ناامنی ایجاد می‌کند. بنابراین امنیت باید هدفمند باشد. البته این موضوع به مؤلفه‌های انتظام‌بخش و مجریانی که در انتظام اجتماعی نقش اساسی دارند، باز می‌گردد. از این رو به منظور انتظام اجتماعی و پیشگیری از جرم، هر تمدنی ضمن تمرکز بر مؤلفه‌های انتظام‌بخش، نیازمند نیروهای مقتدری است که انتظام‌بخشی را در جامعه مدیریت کنند. در این راستا در تمدن ایران اسلامی، ناجا به عنوان نیروی انتظام‌بخش، ضمن تقید جنبه معنوی انتظام اجتماعی، با حفظ مشارکت مردمی، صیانت از دین، التزام به قانون، ارتقای دانش علمی و سلامت کاری و پایبندی به ارزش‌های رفتاری پلیس اسلامی، مسئولیت انتظام‌بخشی و مدیریت پیشگیری از جرم در جامعه را عهده‌دار است. به همین منظور، در پژوهش حاضر به ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های انتظام‌بخش در تحقق تمدن نوین اسلامی در مقوله پیشگیری از جرم پرداخته شده است.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است و روش انجام آن تلفیقی از مطالعات اسنادی و پیمایشی (میدانی) است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته است که برای پاسخ به سؤال‌ها از آزمون t و ضریب همبستگی پیرسون و برای رتبه‌بندی مؤلفه‌ها از ضریب فریدمن استفاده شده است. جامعه آماری ۳۰ نفر از صاحب‌نظران حوزه انتظام اجتماعی هستند و نمونه‌گیری آن به صورت تصادفی با استفاده از جدول مورگان و ضریب آلفای کرونباخ انجام گرفته است.

یافته‌ها: تحلیل آماری پژوهش حاضر با سطح معنادار ($\text{sig} = 0/000$) که کوچک‌تر از سطح آزمون ($\alpha = 0/01$) بوده، فرض صفر (H_0) را رد کرده و با $0/99$ اطمینان تأثیر مؤلفه‌های

1. دانشجوی دکتری حقوق و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی نراق (نویسنده مسئول)

mohsen.gholami93@gmail.com

mssol4920@gmail.com

۲. عضو هیات علمی دانشگاه علوم انتظامی امین

انتظام‌بخش بر تمدن نوین اسلامی در مقوله پیشگیری از جرم را تأیید کرده است. نتایج: نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بین مؤلفه‌های انتظام‌بخش با ارتقای تمدن نوین اسلامی در سطح معنادار ۰/۰۱ همبستگی مثبت و رابطه دوسویه معنادار وجود دارد.

واژگان کلیدی

تمدن نوین اسلامی، مؤلفه‌های انتظام‌بخش، انتظام اجتماعی، پیشگیری از جرم

مقدمه

انتظام اجتماعی عبارت است از آسودگی و آرامشی که مجریان قانون برای شهروندان فراهم می‌کنند. ویژگی و مشخصه این‌گونه انتظام آن است که جامعه مدنی مسئول به وجود آوردن آن است؛ به طوری که یکی از وظایف و اهداف جامعه مدنی برای تمدن نوین اسلامی، پیشگیری از جرم و برقراری نظم و امنیت است. به طور کلی، انتظام اجتماعی به قلمروی از حفظ حریم افراد مربوط می‌شود که به نحوی در ارتباط با سایر افراد جامعه است و به جامعه مدنی، نظام سیاسی و دولت ارتباط می‌یابد. در واقع، در جامعه مدنی اصلی‌ترین مؤلفه‌های موجود تمدن نوین اسلامی و مدیریت پیشگیری از جرم، مؤلفه‌های انتظام‌بخش هستند که مجریان باید آنها را به نحو مطلوب ایجاد کنند (آدمی، ۱۳۸۷: ۱۴). بدون تردید باورهای دینی و ارزشی در تمدن نوین اسلامی مرکز ثقل انتظام اجتماعی و پیشگیری از جرم هستند و اندیشه‌های مورد توجه ولایت فقیه در حکومت اسلامی عامل استحکام‌بخش انتظام اجتماعی و مدیریت پیشگیری از جرم برای امنیت‌سازی جامعه مدنی براساس محورها و مؤلفه‌های انتظام‌بخش است (ساره درودی، ۱۳۹۵: ۶۱).

در یک تعریف کلی، تمدن‌سازی اسلامی یعنی احیای تمدن نوین اسلامی بر اساس الگوهای جدید و مطابق مقتضیات زمان و مکانی که در آن قرار داریم با الگو گرفتن از تجربه‌های تمدن پرشکوه اسلامی در گذشته تاریخ و نیز درس عبرت گرفتن از علل و عواملی که باعث انحطاط آن تمدن‌ها شده است. علت «نوین» خواندن تمدن اسلامی این است که با الگوهای جدید و کارآمدتر و با رها کردن نواقص و ضعف‌های تمدن سابق در حال شکل‌گیری مجدد است. می‌توان تمدن اسلامی را به دو دلیل نو دانست:

۱. به علت الگوهای جدیدی که ساخت این تمدن همراه داشته و با الگوهای دیگر تفاوت

دارد، هر چند این الگوهای نو نیز مبتنی بر یکسری اصول ثابت و ریشه‌دار در سنت کهن اسلامی هستند.

۲. بدان علت که این تمدن پس از ظهور تمدن مادی‌گرای غرب و انفعال چند صد ساله جهان اسلام در برابر آن، تجربه جدیدی است که قابلیت عرض اندام و تقابل با آن تمدن را دارد؛ از این رو تمدنی نو در برابر تمدن مغرب‌زمین که در حال تبدیل شدن به تمدن کهنه است، به شمار می‌آید (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۱۱۳).

طرح مسئله

انتظام اجتماعی مفهومی است که از دو واژه امنیت به معنای سلبی آن یعنی عدم تهدید و انتظام به معنای ساماندهی محیط نشئت می‌گیرد. انتظام اجتماعی و مدیریت پیشگیری از جرم در جامعه مدنی از یک سو از ایجاد امنیت و احساس امنیت افراد جامعه و از سوی دیگر از وجود یک سامانه نظمه در جامعه ریشه می‌گیرد. بر این اساس، اجرای یک راهبرد پنج لایه‌ای شامل «التزام به قانون»، «مشارکت مردمی»، «صیانت از دین»، «دانش و سلامت کاری» و «پای‌بندی به ارزش‌های رفتاری پلیس» می‌تواند انتظام اجتماعی و مدیریت پیشگیری از جرم را در تمدن نوین اسلامی به منصفه ظهور برساند (جهان‌بین و معینی پور، ۱۳۹۳: ۳۴). بنابراین انتظام اجتماعی به عنوان کلیدی‌ترین وظیفه ناچا در درجه نخست، به مدیریت پیشگیری از جرم و ایجاد نظم و انضباط در اجتماع معطوف می‌شود و انتظام اجتماعی بر مبنای نظم‌بخشی به جامعه معنا پیدا می‌کند. البته انتظام اجتماعی به عنوان مدیریت پیشگیری از جرم و تولید نظم و انضباط در جامعه، در شکل کارا و پایدار آن، در گرو مشارکت فراگیر، مسئولانه و واقعی مجریان و افراد جامعه است. به همین منظور، در مقوله انتظام‌بخشی بر امر پیشگیری و کنترل تأکید می‌شود و آن را مقدم بر برخورد سخت و مستقیم می‌دانند. تمدن نوین اسلامی به دلیل وجه مشارکتی و جامعه‌مدارانه آن، انتظام اجتماعی را مقوله‌ای فرابخشی تعریف کرده است که ارتباط و همکاری سازمان‌یافته با مجموعه دستگاهها و سازمانهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... را در قلمرو و برنامه خود دارد. به همین منظور، انقلاب اسلامی ایران، نه فقط یک انقلاب سیاسی، بلکه انقلابی در تمدن‌سازی بود که ثمره آن در زمینه تمدن، طرح مسئله‌ای به نام «تمدن نوین اسلامی» بود که مبنای آن نه همچون تمدن غرب بر اساس اومانیسیم و اتکا به عقل ابزاری، بلکه بر اساس خدامحوری و استفاده از وحی در کنار

عقل بشری و با هدف تأمین نیازهای واقعی انسان و با در نظر گرفتن ابعاد کامل انسان شکل گرفته است. از این رو تحقق تمدن نوین اسلامی از همان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی در دستور کار رهبر کبیر انقلاب اسلامی قرار داشت. در سال‌های اخیر نیز این موضوع مورد توجه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) قرار گرفته و ایشان بارها از موضوع تمدن نوین اسلامی به عنوان هدف انقلاب اسلامی سخن به میان آورده و مؤلفه‌های آن را تشریح فرموده‌اند.

پیشینه پژوهش

در بررسی و مطالعات انجام گرفته سه دسته از منابع مرتبط با پژوهش حاضر وجود دارد: دسته نخست، منابعی که به مفهوم امنیت‌سازی توجه دارند. این کتاب‌ها بیشتر جنبه کلاسیک و تئوری دارند و خالی از بیان مفاهیم کاربردی هستند که از جمله آنها کتاب «چهره متغیر امنیت ملی» نوشته رابرت ماندل، «مردم، دولت‌ها و هراس» نوشته باری بوزانو، کتاب «تهدیدهای امنیت ملی» تألیف علی عبدالله خانی و «رهبری، اصول اخلاقی و امور پلیسی / چالش‌های پیش روی پلیس در قرن ۲۱» نوشته میس، ادوین- اورتمایر، پی جی هستند.

دسته دوم، منابع تاریخی اسلام مانند «تاریخ طبری»، «الکامل»، «تاریخ ابن خلدون»، «تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی» تألیف جان احمدی، «فرهنگ و تمدن اسلامی» نوشته ولایتی است. در این کتاب‌ها به طور پراکنده درباره دستاوردهای تمدن اسلامی بحث شده است.

دسته سوم، منابعی است که بیشتر به صورت مقاله به موضوع راهبردهای امنیتی در حوزه پیشگیری از جرم توجه دارند از جمله علی محسنی در سال ۱۳۸۹ در مقاله خود با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی امنیت اجتماعی و نقش آن در کاهش جرم و آسیب‌های اجتماعی» به مهم‌ترین مؤلفه‌های کاربردی در انتظام اجتماعی و پیشگیری از جرم پرداخته است. نصیری در سال ۱۳۸۴ در مقاله‌ای با عنوان «امنیت ملی پایدار» اصلی‌ترین معیارها و مؤلفه‌های انتظام اجتماعی و پیشگیری از جرم را بیان کرده و سازمان پلیس را به عنوان مهم‌ترین نهاد در پایبندی به این معیارها به منظور برقراری امنیت اجتماعی و مدیریت پیشگیری از جرم شناخته است.

این منابع به دلیل کلی بودن و نداشتن الگوی راهبردی مناسب در حوزه انتظام اجتماعی و پیشگیری از جرم، نقایص بسیاری دارند و نیازمندی ناجا را در حوزه ارتقای تمدن نوین

اسلامی به منظور انتظام اجتماعی و پیشگیری از جرم را برآورده نمی‌کنند. بنابراین نوآوری پژوهش حاضر در آن است که به هر سه دسته از موضوعات یادشده توجه دارد با این تفاوت که با ورود به مباحث نظم و امنیت و با در نظر گرفتن نوع وظایف ناجا در حوزه‌های امنیت‌بخشی، به طور خاص به سنجش مأموریت ناجا در حوزه انتظام اجتماعی و پیشگیری از جرم به منظور ارزیابی میزان جایگاه ناجا در ارتقای تمدن نوین اسلامی در مقوله پیشگیری از جرم پرداخته است.

مبانی نظری پژوهش

مبانی فکری امام خمینی(ره)، دیدگاه رهبری معظم انقلاب، برخی آیات قرآنی، کلام معصومین، اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نظر سایر صاحب‌نظران در حوزه تمدن نوین اسلامی و پیشگیری از جرم از مبانی نظری پژوهش حاضر است.

آنچه در کلام پیامبر اعظم(ص) و ائمه معصومین(ع) در زمینه امنیت مورد توجه و تعمق است، انتظام اجتماعی همه‌جانبه در بلاد اسلامی برای عموم جامعه است.

امام خمینی(ره) در پی الگوریتمی از اجتهاد بودند که در آن بتوان نظام‌سازی کرد و حداکثر نفع مسلمانان را در قالب برنامه‌ریزی‌های جامعه اسلامی به منصفه ظهور رساند. دیدگاه راهبردی امام(ره) در زمینه نظم و امنیت و پیشگیری از جرم به عنوان یکی از ارکان و مبانی تمدن نوین اسلامی است. ایشان به عنوان مبانی کارگشای تمدن نوین اسلامی «اسلامیت، خردورزی، اخلاق و حقوق مردم را مایه اصلی فرهنگ صحیح می‌دانند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۳). در اندیشه ایشان شاخصه‌ها و مبانی تمدن نوین اسلامی، بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است (معینی‌پور و لک‌زایی، ۱۳۹۱: ۹۲).

در اندیشه امام خمینی(ره) تعریف مشخص و ثابتی از مفهوم تمدن ارائه نشده است و معانی مختلفی از آن برداشت می‌شود. ایشان تمدن را از فرهنگ متمایز کرده و آنها را جداگانه به کار برده‌اند که نشان می‌دهد معنای متفاوتی را از این دو مفهوم داشته‌اند: «فرهنگ یک ملت در رأس تمدن واقع شده، فرهنگ باید فرهنگی موافق با تمدن باشد». ایشان پیشرفت‌های صنعتی و اقتصادی در قالب آبادانی و تأسیس نهادها و ساخت ابزارهای جدید را مصادیق تمدن می‌دانند (فوزی و صنم‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۲).

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) برای توسعه تمدن اسلامی، نظریه «تمدن نوین اسلامی» را مطرح فرموده‌اند. بر اساس دیدگاه ایشان، گسترش انتظام اجتماعی در تمدن اسلامی به همت و خرد دسته‌جمعی نیاز دارد که در سایه اخلاق، کار و تلاش، ایمان به خدا، عقلانیت، توانایی علمی، خلاقیت، برخورداری از اقتدار قوی و مشارکت مردمی به وجود می‌آید.

مقام معظم رهبری عقلانیت و خردورزی را یکی از شاخصه‌های بارز و مهم تمدن نوین اسلامی می‌دانند و می‌فرمایند: «عقلانیت یعنی نیروی خرد انسان را استخراج کردن و آن را بر تفکرات و اعمال انسان حاکم قرار دادن». در اندیشه رهبر معظم انقلاب، مجاهدت علمی و شکستن مرزهای علم، چراغ راه تمدن نوین اسلامی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۴/۲۹ و ۱۳۷۹/۱۲/۹).

از جمله مبانی و شاخص‌های تمدن نوین اسلامی که اندیشمندان و مورخان اسلامی در تاریخ اسلام بیان کردند و مقام معظم رهبری به شیوه منسجم‌تری درباره آنها سخن گفتند، عبارت‌اند از: محوریت قوانین قرآنی، خردورزی، علم، اخلاق، مجاهدت در راه خدا، حکومت مردمی، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت و... اما معظم له با درایت خویش و با درک مقتضیات زمان، مسئله تمدن نوین اسلامی را با مؤلفه‌های جدیدی مانند ابتکار و خلاقیت، پای‌بندی به ارزش‌های اسلامی، صیانت از اسلام و صدور احکام فقهی متناسب با نیازهای جدید بشری مطرح کردند تا تمدن اسلامی پویا شود و در رقابت با دنیای مدرن غرب باقی بماند و پویایی خود را حفظ کند. به اعتقاد معظم له، گسترش تمدن نوین اسلامی به همت و خرد دسته‌جمعی نیاز دارد که در سایه وحدت، انضباط، فعالیت، ایمان به خدا، خلاقیت، عقلانیت، توانایی علمی و التزام به قانون به وجود می‌آید.

در منابع اسلامی تلاش در راه انتظام اجتماعی و پیشگیری از جرم مورد توجه بوده و از آن با عنوان مجاهدت یاد شده است. در فرهنگ قرآنی نیز در مقاطع مختلف دستور به مجاهدت داده شده است؛ چنان که مفسران واژه جهاد در آیه «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» را به معنی مجاهدت علمی دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۷: ۲۶؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۶: ۱۰۶؛ الوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰: ۳۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۵۸۲). مقام معظم رهبری در مناسبت‌های مختلف کارکنان ناجا را به مجاهدت در همه امور هدایت کرده‌اند. ایشان با استناد به آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» معتقدند که در صورت مجاهدت، حصول موفقیت و دریافت تأییدات الهی قطعی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۳/۲۲ و ۱۳۹۱/۱۲/۱۴).

محتوای برخی اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصل سوم، اصل ۶۹، اصل ۱۷۶ و فصل ۱۳) در راستای تأمین انتظام اجتماعی و پیشگیری از جرم است.

اهمیت موضوع؛ ضرورت تحقیق

در اهمیت موضوع پژوهش حاضر می‌توان گفت انتظام اجتماعی دایره شمول ثابتی ندارد و در جامعه مدنی شامل مجموعه قواعد و مقرراتی است که هدف از وضع و ایجاد آنها پیشگیری از جرم و حفظ منافع عمومی و اجتماع است. به عبارت دیگر، انتظام اجتماعی در جامعه مدنی شامل آن دسته از قواعدی است که در اصطلاح «قواعد اسلامی» نامیده می‌شوند و تنظیم هر گونه قرارداد خصوصی راجع به نقض این قواعد و مقررات، فاقد ارزش حقوقی و اعتبار است. این حساسیت ویژه نسبت به انتظام اجتماعی موجب شده است این مقوله به عنوان یکی از ضروری‌ترین نیازها و اساسی‌ترین بسترهای دوام و بقای جامعه مدنی تلقی شود.

از جمله معیارها و شاخص‌های قوانین و مقررات در جامعه مدنی شامل قرآن، خردورزی، علم، اخلاق، مجاهدت در راه خدا، حکومت مردمی، پرهیز از تحجر، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت و... است. اما همگام با پیشرفت بشر، قطعاً معیارها و شاخصه‌های جدیدی نیز مطرح شد که اگر تمدن اسلامی قصد پیشرفت در دنیای مدرن را دارد، ناگزیر از توجه به آنهاست. مقام معظم رهبری با درایت خویش و با درک مقتضیات زمان، همواره ضرورت توجه به مسائل نوظهور را در رأس برنامه‌های خود قرار داده است. البته امروزه مشروعیت جامعه مدنی در گرو تأمین و حفظ امنیت اجتماعی است. مجریان قانون بر اساس قوانین اسلامی برای انتظام اجتماعی و پیشگیری از جرم در جامعه گام برمی‌دارند تا با اقدامات پیشگیرانه از ظهور و بروز رفتارهای ضد اجتماعی ممانعت کنند.

در ضرورت موضوع باید گفت انتظام اجتماعی و امنیت‌سازی برای جامعه اسلامی، مهم‌ترین مسئله و دغدغه حاکمیت در تمدن نوین اسلامی است. بدون نظم و امنیت اجتماعی شکل‌گیری تمدن اسلامی ممکن نیست؛ زیرا ساده‌ترین و در عین حال محکم‌ترین تعریف تمدن اسلامی، معادل برخورداری جامعه مدنی از انتظام اجتماعی است. از این رو عبور از چالش‌ها و مشکلات موجود در مسیر انتظام اجتماعی مستلزم طراحی الگوی ساختار تشکیل‌دهنده امنیت‌ساز در جامعه است.

نیروی انتظامی به عنوان خط مقدم مقابله با ناامنی یقیناً در لایه نخست پیشگیری از جرم و امنیت‌سازی در جامعه مدنی قرار دارد. این مسئله می‌طلبد تا با نگاهی ویژه مؤلفه‌های انتظام‌بخشی را که در روند رشد تمدن نوین اسلامی نقش دارند، مورد توجه قرار دهد و آنها را به گفتمانی استحکام‌بخش در حوزه امنیت تبدیل کند. تحقق آن یقیناً منوط به ضرورت توجه ویژه به مسائل نوین از جمله ابتکار و خلاقیت، مشارکت مردمی، ارتقای دانش و سلامت کاری و پای‌بندی به ارزش‌های رفتاری پلیس اسلامی در عرصه ایجاد انتظام اجتماعی و پیشگیری از جرم در جامعه مدنی است.

هدف اصلی

ارزیابی جایگاه مؤلفه‌های انتظام‌بخش در ارتقای تمدن نوین اسلامی در مقوله پیشگیری از جرم.

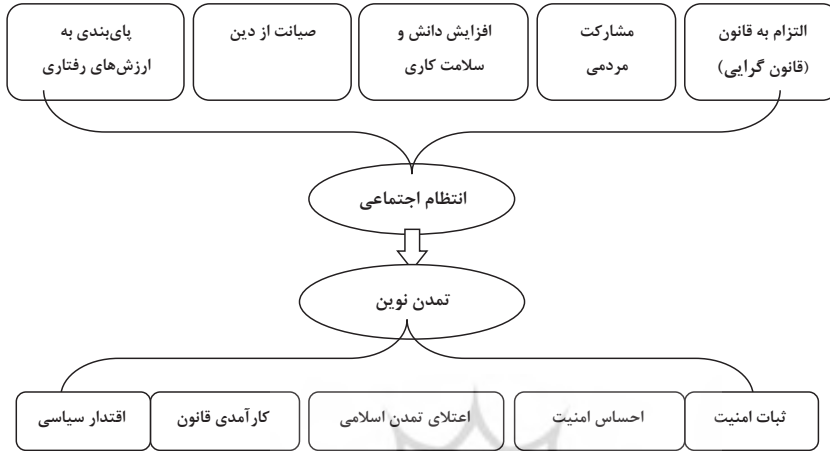
اهداف فرعی

- ارزیابی میزان اثربخشی مؤلفه التزام به قانون (قانون‌گرایی) در ارتقای تمدن نوین اسلامی در مقوله پیشگیری از جرم؛
 - ارزیابی میزان اثربخشی مؤلفه مشارکت مردمی در ارتقای تمدن نوین اسلامی در مقوله پیشگیری از جرم؛
 - ارزیابی میزان اثربخشی مؤلفه صیانت از دین در ارتقای تمدن نوین اسلامی در مقوله پیشگیری از جرم؛
 - ارزیابی میزان اثربخشی مؤلفه دانش و سلامت کاری در ارتقای تمدن نوین اسلامی در مقوله پیشگیری از جرم؛
 - ارزیابی میزان اثربخشی مؤلفه پای‌بندی به ارزش‌های رفتاری در ارتقای تمدن نوین اسلامی در مقوله پیشگیری از جرم؛
- سؤال اصلی: مؤلفه‌های انتظام‌بخش به چه میزان در ارتقای تمدن نوین اسلامی در مقوله پیشگیری از جرم تأثیرگذارند؟
- سؤال‌های فرعی

- مؤلفه التزام به قانون (قانون‌گرایی) به چه میزان در ارتقای تمدن نوین اسلامی در مقوله پیشگیری از جرم تأثیرگذار است؟
- مؤلفه مشارکت مردمی به چه میزان در ارتقای تمدن نوین اسلامی در مقوله پیشگیری از جرم تأثیرگذار است؟
- مؤلفه صیانت از دین به چه میزان در ارتقای تمدن نوین اسلامی در مقوله پیشگیری از جرم تأثیرگذار است؟
- مؤلفه دانش و سلامت کاری به چه میزان در ارتقای تمدن نوین اسلامی در مقوله پیشگیری از جرم تأثیرگذار است؟
- مؤلفه پای‌بندی به ارزش‌های رفتاری به چه میزان در ارتقای تمدن نوین اسلامی در مقوله پیشگیری از جرم تأثیرگذار است؟
- فرضیه اصلی: به نظر می‌رسد مؤلفه‌های انتظام‌بخش در ارتقای تمدن نوین اسلامی در مقوله پیشگیری از جرم تأثیرگذار است.
- فرضیه‌های فرعی
- به نظر می‌رسد مؤلفه التزام به قانون (قانون‌گرایی) در ارتقای تمدن نوین اسلامی در مقوله پیشگیری از جرم تأثیرگذار است.
- به نظر می‌رسد مؤلفه مشارکت مردمی در ارتقای تمدن نوین اسلامی در مقوله پیشگیری از جرم تأثیرگذار است.
- به نظر می‌رسد مؤلفه صیانت از دین در ارتقای تمدن نوین اسلامی در مقوله پیشگیری از جرم تأثیرگذار است.
- به نظر می‌رسد مؤلفه دانش و سلامت کاری در ارتقای تمدن نوین اسلامی در مقوله پیشگیری از جرم تأثیرگذار است.
- به نظر می‌رسد مؤلفه پای‌بندی به ارزش‌های رفتاری در ارتقای تمدن نوین اسلامی در مقوله پیشگیری از جرم تأثیرگذار است.

مدل مفهومی پژوهش

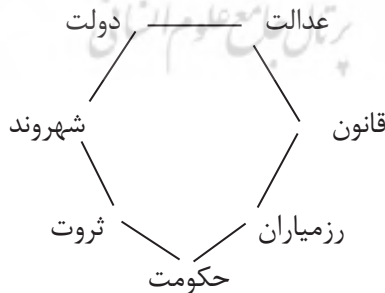
مدل مفهومی پژوهش حاضر به شکل نمودار زیر نشان داده شده است.



نمودار ۱- مدل مفهومی پژوهش

مدل مفهومی رابطه تمدن و نیروی انتظامی

برقراری نظم و امنیت و مدیریت پیشگیری از جرم منظومه‌ای از واژه‌ها و نشانه‌هایی است که در پیوند با هم مجموعه‌ای معنادار به نام «تمدن نوین اسلامی» را می‌آفریند. نشانه‌های تمدن‌سازی اسلامی بیشتر در اطراف یک دال مرکزی ساماندهی می‌شود و مؤلفه‌های انتظام‌بخش در پیوند با آن معنا می‌یابد. هر گاه این زنجیره هم‌ارزی دچار واگرایی شود، دال مرکزی (تمدن اسلامی) می‌تواند آسیب‌پذیر شود (حسینی‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۳). این چرخه هفت باکس دارد و در صفحات ۷۲ و ۷۳ جلد اول مقدمه ابن خلدون آمده است.



نمودار ۲- منبع: مرکز مطالعات راهبردی ناجا، ۱۳۹۶: ۱۳

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق: پژوهش فرارو از نظر هدف، کاربردی است و روش انجام آن تلفیقی از مطالعات اسنادی و پیمایشی (میدانی) است.

جامعه آماری و حجم نمونه: جامعه آماری ۳۰ نفر از صاحب‌نظران حوزه انتظام اجتماعی با تحصیلات عالی و دست کم ۱۰ سال سابقه خدمت در این حوزه هستند که نمونه‌گیری آن به صورت تصادفی با استفاده از جدول مورگان و ضریب آلفای کرونباخ انجام گرفت. ابزار جمع‌آوری داده‌ها: ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه ۴۰ سؤالی است که برای پاسخ به سؤال‌ها از آزمون t و ضریب همبستگی پیرسون و برای رتبه‌بندی مؤلفه‌ها از ضریب فریدمن استفاده شد. این پرسشنامه‌ها بر پایه مطالعات ملی و جهانی تدوین سپس به وسیله تکنیک دلفی با نظر متخصصان نهایی شده است. سؤال‌ها به روش طیف لیکرت است و در قالب طیف پنج درجه‌ای برابر جدول زیر پاسخ داده می‌شود.

جدول ۱- نحوه نمره‌گذاری معرف‌ها و شاخص‌ها

خیلی کم	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

متغیرهای مورد مطالعه: در این پژوهش، تمدن‌سازی اسلامی به عنوان متغیر وابسته و مؤلفه‌های «التزام به قانون (قانون‌گرایی)»، «مشارکت مردمی»، «دانش علمی و سلامت کاری»، «صیانت از دین» و «پای‌بندی به ارزش‌های رفتاری پلیس اسلامی» به عنوان متغیرهای مستقل هستند.

روایی و پایایی: برای روایی پژوهش حاضر اقداماتی از قبیل استفاده از نظرات استادان و خبرگان، مطالعه پژوهش‌های انجام‌شده مشابه و اجرای آزمایشی پرسشنامه در سطح محدود انجام شد. همچنین برای تعیین پایایی و اعتبار پرسشنامه از ضریب پایایی آلفای کرونباخ که میزان آن ۰/۹۸ است استفاده شده که نشان‌دهنده اعتبار بالایی پرسشنامه است. مقدار ضریب آلفای کرونباخ کل ۰/۹۱۱ به دست آمده نشان‌دهنده وجود پایایی بالایی برای پرسشنامه‌هاست. جدول زیر این موضوع را نشان می‌دهد.

جدول ۲- پایایی پرسشنامه

مؤلفه	تعداد آیتم	ضریب آلفای کرونباخ
التزام به قانون (قانون‌گرایی)	۱۰	۰/۸۸۷
مشارکت مردمی	۶	۰/۸۵۱
صیانت از دین	۸	۰/۸۹۹
پایبندی به ارزش‌های رفتاری پلیس اسلامی	۹	۰/۸۶۴
دانش علمی و سلامت اداری	۷	۰/۸۷۶
کل	۴۰	۰/۹۱۱

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: با توجه به اهداف و روش تحقیق و مقیاس اندازه‌گیری داده‌ها، برای تحلیل استنباطی داده‌ها از تحلیل رگرسیون و ضریب همبستگی استفاده شده است. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از آزمون t تک‌نمونه‌ای و نیز با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

چارچوب نظری پژوهش

در این بخش برای روان‌سازی پژوهش مهم‌ترین مفاهیم، مؤلفه‌ها و اصطلاحات عملیاتی آن تشریح شده است.

۱. تعریف تمدن

واژه Civilization معادل تمدن یا حضاره است. تمدن از واژه لاتین Civitas معادل کلمه Poleis یونان قدیم است. این واژه در زبان انگلیسی از لغت لاتینی Civis به معنی شهروند یا شهرنشین اقتباس شده و برای دلالت بر ویژگی‌هایی مانند لطف، کیاست و لیاقت استفاده شده که دستاورد شهرنشینی است و برای پیشرفت افراد و جمعیت‌هایی که در شهرها زندگی می‌کنند به کار می‌رود (سپهری، ۱۳۸۵: ۳۵). در فرهنگ فارسی تمدن عبارت است از: «شهرنشین شدن، خوی شهری گزیدن و با اخلاق مردم آشنا شدن، زندگانی اجتماعی؛ همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش خود» (عمید، ۱۳۸۹: ۵۳۰). تمدن در عربی از «مدن» اخذ شده که معنای آن اقامت کردن است و در تعریف اجتماعی، همان شهرنشینی است (ولایتی، ۱۳۸۴: ۳۳). ابن خلدون در تعریف

اصطلاحی تمدن، مؤلفه‌های مدنیت را جمعیت، ثروت، کار، صنعت، دانش، هنر، جغرافیا، شهرنشینی، دین و عصبیت دانسته است (آدمی، ۱۳۸۷: ۳۹). وی حضرات را یکی از مراحل زندگانی جامعه دانسته است که مرحله بداوت آن را به کمال می‌رساند (سپهری، ۱۳۷۵: ۳۱). به اعتقاد ابن خلدون، حضارت و بداوت همدیگر را کامل می‌کنند و حضارت به معنای تأسیس شهرها و شهرک‌ها و استقرار است که حکومت، مدنیت، مکاسب زندگی، صنایع و علوم، و وسایل رفاه و آسایش در آن پدید می‌آید (ابن خلدون، ۱۳۷۱: ۷۷). تعریفی که امام خمینی (ره) از تمدن بیان کرده‌اند، نشان‌دهنده دستاوردهای مادی بشر برای ادامه زندگی و توسعه و ترقی است. در این تعریف، فرهنگ که بیشتر دستاوردهای معنوی انسان را شامل می‌شود، مقدم بر تمدن است (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۷: ۶۲). البته تیلور تمدن را به عناصر و مؤلفه‌های تمدنی مثل هنر، اخلاق، آداب و رسوم تعریف کرده است. آلفرد وبر به ویژگی‌های تمدنی توجه دارد و کسانی مانند هومبولت در تعریف‌شان از تمدن به قلمرو آن اشاره دارند. بنابراین در تعریف تمدن اختلاف رویکرد وجود دارد و در باب تعریف تمدن به طور اعم و تمدن نوین اسلامی به طور اخص، بین آثار محققان این حوزه، همگرایی مشاهده نمی‌شود. در واقع هر یک بیشتر متمرکز بر جنبه‌هایی از تمدن نوین اسلامی بوده و بحث خود را حول آن محور قرار داده‌اند. به طور کلی می‌توان اظهار داشت محور اصلی تمدن اسلامی، خدامحوری، عدالت‌گستری، اخلاق‌مداری، عقلانیت و مواردی از این قبیل است. از این رو تمدن‌ها بر اساس نوع تکوین، اشکال مختلفی دارند و هر یک دارای ویژگی‌هایی هستند که می‌توان به وسیله آنها تمدن‌ها را از یکدیگر بازشناخت و تقسیم‌بندی کرد. در جمع‌بندی کلی، تمدن را می‌توان حاصل امتداد فرهنگ و پذیرش نظم اجتماعی دانست که در آن از مرحله بادیه‌نشینی خارج و در شاهراه نهادینه شدن امور اجتماعی و مدنیت گام گذاشته می‌شود (جهان‌بین، ۱۳۹۳: ۳۵).

۲. تعریف تمدن نوین اسلامی

تمدن اسلامی از نوع تمدن‌های یکجانشین مبتنی بر حیات دینی و ایدئولوژی درون‌دینی است. تمدن نوین اسلامی بر آن است که با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و همچنین بهره‌مندی از دستاوردهای تمدن بشری، به ایجاد تمدنی نوین بپردازد تا همه جنبه‌های تمدن مدنی را در برداشته باشد. تمدن نوین اسلامی عبارت است از ظهور و بروز مادی و معنوی پیشرفت‌های هدفمند، نظام‌مند و نوظهور امت اسلامی با محوریت ایران براساس تعالیم اسلامی در همه

عرصه‌های اجتماعی، که شکلی معنادار و منضبط به خود گرفته و جامعه اسلامی را به مقاصد خود نزدیک می‌کند. در این تعریف، روی چند عنصر تأکید شده است:

- روی دو جنبه مادی و معنوی تمدن نوین اسلامی به مثابه دو روی یک سکه؛
- روی پیشرفت‌های نوظهور که تا حدی مرز ما با تمدن تاریخی را مشخص می‌کند.
- روی محوریت ایران که محور و کانون تمدن نوین اسلامی تلقی می‌شود.
- روی تعالیم اسلامی که درون‌مایه و جهت تمدن نوین اسلامی را معین می‌کند.
- روی همه عرصه‌های اجتماعی که آن سوق یافتن تمدن نوین اسلامی به سمت تمدن‌های تک‌ساحته یا مادی‌گرا نفی می‌شود (تقی نیا، صوفی، رستمی، ۱۳۹۳: ۱۶).

۳. ویژگی‌ها و پارامترهای تمدن اسلامی

تمدن اسلامی از ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی برخوردار است که آن را از تمدن‌های دیگر متمایز می‌کند و هر گونه رهیافتی به تمدن اسلامی در گرو توجه به این ویژگی‌هاست.

الف) تمدن اسلامی وقتی پا به عرصه وجود گذاشت، نسبت به تمدن‌های پیشین موضع ویژه‌ای اتخاذ کرد؛ بدین صورت که نه در مقابل آنها صف‌آراست و نه در برابر آن تمدن‌ها منفعل شد، بلکه دستاوردهای مثبت آنها را گرفت و در خود هضم کرد و جهات منفی را هم نپذیرفت. دکتر زرین‌کوب در این باره معتقد است: «تمدن اسلامی نه تقلیدکننده صرف از فرهنگ‌های سابق بود، نه ادامه‌دهنده محض، بلکه ترکیب‌کننده بود و تکمیل‌سازنده» (بابایی، ۱۳۹۰: ۲۸).

ب) تمدن اسلامی با محوریت قرآن از آغاز دیدگاهی جهانی و فراملیتی داشت و هیچ‌گاه خود را منحصر در یک قوم و نژاد نکرد؛ بنابراین در حوزه وسیع دنیای اسلام اقوام مختلف عرب، ایرانی، ترک، هندی، چینی، مغولی، آفریقایی و حتی اقوام ذمی به هم آمیختند. این نکته سبب شد که مسلمانان از هر قوم و ملتی خود را منادی اسلام بدانند؛ یعنی مایه اصلی این معجون که تمدن و فرهنگ اسلامی خوانده می‌شود در واقع اسلام بود، نه شرقی و نه غربی.

ج) عمده‌ترین شاخص‌های تمدن اسلامی عبارت‌اند از: خدامحوری و الهی بودن، عدالت‌گستری، اخلاق‌مداری، مدارا، تعقل و اندیشه‌ورزی.

د) از ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی دین‌باوری امت‌مدار، خردباوری، تمدن‌اندیشی، خودباوری، غرب‌پژوهی و ... است.

۴. مراحل شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی

در تکوین مراحل شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی نکاتی ضروری به نظر می‌رسد: اول، بعضی از این مراحل می‌تواند هم‌عرض طی شود؛ در واقع لزوماً همه این مراحل طولی نیست.

دوم، همه این مراحل - حتی مرحله‌ای که باید پیوستگی طولی به هم داشته باشند- اتصال زمانی به هم ندارند و می‌توانند گپ‌های زمانی را مشروط به اینکه امکان حفظ سرمایه حاصل از آن مرحله وجود داشته باشد، درون خود هضم کنند.

سوم، این مرحله‌بندی با فرایندی بودن تمدن که در تعریف روی آن تأکید داشتیم منافاتی ندارد؛ در حقیقت، بسیاری از این مراحل، خود در یک روند طبیعی قابل تحقق است، هرچند برنامه‌ریزی‌ها در سرعت بخشیدن یا جهت دادن به این روندها مؤثرند.

با مد نظر قرار دادن نکات ضروری بالا، مراحل تکوین و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی عبارت‌اند از:

الف) بیداری و هویت‌یابی که می‌توان از آن به انقلاب تعبیر کرد: مهم‌ترین خاصیت بیشتر انقلاب‌ها بیداری و هویت‌سازی است.

ب) شکل‌گیری نظم و قانون: شکل‌گیری نظم و امنیت و قانون‌گرایی برای پیشگیری از جرم از شاخص‌های تمدن نوین اسلامی است.

ج) دستیابی به اندیشه و نرم‌افزار تمدن؛ یعنی آن فکر منسجم و کاربردی که در پیچ و خم‌های مسیر شکل‌گیری تمدن، پاسخگوی نیازهای جامعه اسلامی باشد. البته بدیهی است بخشی از تمدن خارج از برآورد و مدیریت است، اما این موضوع منافاتی با وجود نرم‌افزار تمدن ندارد.

د) شکل‌گیری دولت تمدن‌ساز؛

ه) مشارکت اجتماعی فعال و حداکثری جامعه؛

و) پیشرفت همه‌جانبه، نظام‌مند و جهشی تمدن اسلامی؛

ز) گسترش بیرونی و دستیابی به قدرت رقابت با تمدن‌های رقیب: در این مرحله، جامعه اسلامی به ظرفیت لازم برای رقابت همه‌جانبه با تمدن‌های بزرگ و رقیب دست پیدا می‌کند.

ح) تولد تمدن نوین اسلامی؛ که خود تمدن نیز یک وضعیت پویا و در حال رشد است که می‌تواند از سطحی به سطحی بالاتر صعود کند (تقی‌نیا، صوفی، رستمی، ۱۳۹۳: ۱۶).

۵. تعریف انتظام اجتماعی

در نگاه کلی، امنیت با دو مفهوم سلبی و ایجابی معنا می‌شود. در سلبی به معنای نبود تهدید و در ایجابی به معنای آرامش تعریف شده است (لای و لیتل، ۱۳۸۰: ۱۴). در نگاه سنتی، امنیت‌سازی و پیشگیری از جرم، وزن نظامی داشت و رویکرد سخت‌افزاری را مد نظر قرار می‌داد (تافلر، ۱۳۷۰: ۴۳). اما در دوره تمدن‌سازی اسلامی، انتظام اجتماعی با رویکرد دینی و اسلامی مورد توجه قرار گرفت و انتظام اجتماعی و پیشگیری از جرم در چارچوب مشروعیت‌سازی بر مبنای مفاهیم ارزشی و هنجاری اسلام مد نظر قرار گرفت. انتظام اجتماعی در چارچوب تعریفی خود، اصول ثابت و مشخصی دارد و به معنای نبود تهدید یا رسیدن به آرامش معنا شده است. با وجود این، انتظام اجتماعی در چارچوب فرهنگ، قانون و آرمان‌های حاکم بر جامعه و در جوامع گوناگون تفاوت‌های مفهومی خاصی دارد. به همین دلیل ساخت انتظام اجتماعی را باید در نوع نگرش‌های حاکم بر جوامع مورد توجه قرار داد. در جامعه اسلامی مشروعیت اقدامات نهادهای حکومتی برای انتظام‌بخشی و پیشگیری از جرم در جهت انتظام اجتماعی بر پایه ارزش‌های اسلامی است و براساس سه محور ایمان، عدالت و ولایت‌مداری قرار دارد (ساوه درودی، ۱۳۹۵: ۶۱). با توجه به این محورها، انتظام‌بخشی در جامعه مدنی به عنوان مهم‌ترین وظیفه ناجا نیازمند تبیین و تفسیر مؤلفه‌های امنیت‌ساز در حوزه مأموریتی این نهاد است. البته باورها و هنجارهای دینی همواره پیش‌شرط انتظام اجتماعی در مأموریت‌های ناجا به منظور پیشگیری از جرم خواهد بود. لازمه این اقدام اتخاذ راهبردی متقن و شفاف در حوزه انتظام اجتماعی و پیشگیری از جرم براساس باورهای دینی، ملی و انقلابی و در چارچوب مؤلفه‌ها و پارامترهای تمدن نوین اسلامی است.

۶. مؤلفه‌ها و پارامترهای انتظام‌بخش

اهم مؤلفه‌ها و شاخصه‌های انتظام‌بخش عبارت‌اند از:

الف) التزام به قانون (قانون‌گرایی): اعتدال در اجرای قوانین به مثابه کانون و مرکز ثقل عدالت، افزون بر محبوبیت ناجا در میان مردم، می‌تواند اعتمادسازی شهروندان به تلاش‌های تمدن‌سازانه ناجا را ارتقا بخشد و روابط دو طرف را با همکاری دوجانبه افزایش دهد. برنامه‌ریزی مناسب در خصوص ضابطه‌مداری عملکرد ناجا در انتظام‌بخشی جامعه و مدیریت پیشگیری از جرم می‌تواند اقدامات ناجا را تحت تأثیر قرار دهد. تأکید مقام معظم رهبری (مد

ظله العالی) در این زمینه از جمله دلایل اصلی توجه به قانون‌مداری است. ایشان التزام به قانون را در هر گونه سستی و بی‌مبالاتی می‌دانند و می‌فرمایند: «از هر گونه سستی و بی‌مبالاتی و سهل‌انگاری و ولنگاری از طرف افراد و مأموران پایین دست به شدت جلوگیری شود» (۱۳۶۷/۷/۵). بر این اساس می‌توان گفت ناجا به دلیل ارتباط مستقیم با شهروندان، باید توجه به قانون را برای پیشگیری از جرم در جامعه با هدف روند رو به رشد تمدن نوین اسلامی، سرلوحه اقدامات و عملکرد خود قرار دهد.

ب) صیانت از دین: دین مبین اسلام به عنوان دین کامل دارای ارزش‌ها و باورهایی است که باید در جامعه اسلامی نهادینه شود. صیانت پلیس از باورها و ارزش‌های اسلامی و پای‌بندی به آن می‌تواند به گسترش فرهنگ تمدن اسلامی ختم شود.

ج) ارتقای دانش و سلامت کاری: دستیابی پلیس به دانش روز و سلامت کاری آنان در انجام مأموریت و وظایف محوله می‌تواند ناجا را در مسیر تمدن نوین اسلامی هدایت کند.

د) مشارکت مردمی: در راستای بسترسازی تمدن نوین اسلامی، باید افراد جامعه را پایه انتظام اجتماعی و پیشگیری از جرم قرار داد. از منظر جامعه‌شناسی، مشارکت نوعی فرایند تعاملی چندسویه است. مشارکت، مداخله و نظارت شهروندان است که قابلیت سیاسی- اجتماعی نظام را در دستیابی به توسعه، همراه با عدالت اجتماعی بیشتر، افزایش خواهد داد (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۲).

ه) پای‌بندی به ارزش‌های رفتاری پلیس اسلامی: این مهم با ساخت سازه‌های فکری کارکنان ناجا امکان‌پذیر است. بدین منظور مهم‌ترین گام، معنویت‌سازی است. معنویت‌سازی با ایدئولوژی حاکم بر کشور در ارتباط است و از طریق باورها و ارزش‌های معنوی مرتبط با دین و مذهب حاصل می‌شود و هسته مرکزی رفتارسازی را تشکیل می‌دهد. این هسته استحکام خود را از طریق باور به ارزش‌های اسلامی به دست می‌آورد. باور کارکنان ناجا به این ارزش‌ها و رعایت آن در اجرای مأموریت محوله، نقطه کانونی انتظام اجتماعی و پیشگیری از جرم را در رفتارسازی تشکیل می‌دهد که به دلیل ارتباط آن با مؤلفه‌های انتظام اجتماعی می‌تواند به گستره تمدن نوین اسلامی در جامعه کمک کند.

یافته‌های پژوهش

۱. یافته‌های توصیفی

در این بخش به بررسی ویژگی‌های فردی اعضای جامعه مورد مطالعه خواهیم پرداخت. الف) سن: توزیع سن اعضای جامعه آماری مورد مطالعه در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۳- فراوانی توزیع سن

سال	فراوانی	درصد
۳۰ تا ۴۰	۱۹	۶۳/۳
۴۱ تا ۵۰	۱۱	۳۶/۷
جمع	۳۰	۱۰۰

داده‌های موجود در جدول بالا حاکی از آن است که بیشترین تعداد اعضای جامعه با ۶۳/۳ درصد در رده سنی ۳۰ تا ۴۰ سال قرار دارند. مابقی جامعه نیز در رده سنی ۴۱ تا ۵۰ سال هستند.

ب) سابقه خدمت: توزیع سابقه خدمت اعضای جامعه آماری در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۴- فراوانی سابقه خدمت

سال	فراوانی	درصد
۱۰ تا ۲۰	۱۴	۴۵
۲۱ تا ۳۰	۱۶	۵۵
جمع	۳۰	۱۰۰

داده‌های موجود در جدول فوق نشان می‌دهد حدود ۵۵ درصد از جامعه مورد مطالعه دارای سابقه خدمت ۲۱ تا ۳۰ هستند و مابقی حدود ۴۵ درصد بین ۱۰ تا ۲۰ سال سابقه دارند. ج) سابقه مدیریت: توزیع سابقه اعضای جامعه آماری در جدول زیر تشریح و تبیین شده است.

جدول ۵- فراوانی توزیع سابقه مدیریت

سال	فراوانی	درصد
کمتر از ۵	۷	۲۳/۳
۵ تا ۱۵	۲۱	۷۱/۷
۱۶ تا ۲۵	۲	۵
جمع	۳۰	۱۰۰

داده‌های موجود در جدول بالا نشان می‌دهد اکثریت افراد مد نظر (حدود ۷۲ درصد) بین ۵ تا ۱۰ سال سابقه خدمت دارند و حدود ۲۳/۳ درصد از آنان کمتر از ۵ سال و مابقی بیش از ۱۰ سال سابقه خدمت دارند.

۲. یافته‌های استدلالی

در این بخش ضمن تحلیل‌های آماری پاسخ جامعه مورد مطالعه در خصوص هر یک از فرضیات مد نظر، نتایج حاصل نیز تشریح و تبیین شده است. فرضیه اول: به نظر می‌رسد التزام به قانون (قانون‌گرایی) در ارتقای تمدن نوین اسلامی در مقوله پیشگیری از جرم تأثیرگذار است.

جدول ۶- نتایج آزمون رگرسیون

مؤلفه تأثیرگذار	R	R2	F	Bضرب	Beta	T	سطح معناداری
التزام به قانون (قانون‌گرایی)	۰/۹۵	۰/۹۱	۱۵۲۱/۳۰	۱/۲۳	۰/۹۵	۱۸/۷۷	۰/۰۰۰

داده‌های موجود در جدول فوق نشان‌دهنده میزان تأثیر قانون‌گرایی پلیس در تمدن نوین اسلامی برای پیشگیری از جرم است که با توجه به $t=0/95$ ، $f=1521/30$ و مقدار $T=18/77$ و سطح معناداری ($sig < 0/01$) به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت از نظر پاسخگویان بین التزام به قانون و تمدن نوین اسلامی رابطه معناداری وجود دارد و این رابطه ناشی از خطا یا حدس و گمان نیست، بلکه رابطه‌ای با ۹۹ درصد اطمینان است. بنابراین می‌توان گفت با افزایش التزام پلیس به قوانین و مقررات، بسترها و زمینه پیشگیری از جرم برای رشد تمدن نوین اسلامی بهبود خواهد یافت. همچنین ضریب تعیین R^2 به دست آمده نشان می‌دهد متغیر مستقل (التزام به قانون) تا ۹۱ درصد متغیر وابسته (تمدن نوین اسلامی) را پوشش می‌دهد و میزان درصد باقی‌مانده می‌تواند ناشی از عوامل تأثیرگذار دیگر در این زمینه باشد. فرضیه دوم: به نظر می‌رسد مؤلفه مشارکت مردمی در ارتقای تمدن نوین اسلامی در مقوله پیشگیری از جرم تأثیرگذار است.

جدول ۷- نتایج آزمون رگرسیون

مؤلفه تأثیرگذار	R	R2	F	Bضرب	Beta	T	سطح معناداری
مشارکت مردمی	۰/۹۷	۰/۹۴	۲۳۹۵/۲۳	۰/۸۸	۰/۹۷	۱۶/۳۴	۰/۰۰۰

داده‌های موجود در جدول فوق نشان‌دهنده میزان تأثیر مشارکت مردمی بر تمدن‌سازی اسلامی برای پیشگیری از جرم است که با توجه به $f=2395/23$ ، $r=0/97$ و مقدار $T=16/34$ و سطح معناداری ($sig<0/01$) به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت از نظر پاسخگویان، بین مشارکت دادن مردم در جهت پیشگیری از جرم به منظور افزایش روند تمدن نوین اسلامی رابطه مستقیم و نسبی وجود دارد و این رابطه ناشی از خطا یا حدس و گمان نیست بلکه رابطه‌ای است با ۹۹ درصد اطمینان که نشان می‌دهد هر چه مشارکت شهروندان در حوزه انتظام اجتماعی و پیشگیری از جرم پویاتر باشد، به همان میزان در روند رشد تمدن نوین اسلامی تأثیر بیشتری خواهد داشت. همچنین ضریب تعیین R^2 نشان می‌دهد متغیر مستقل (مشارکت مردمی) تا ۹۴ درصد متغیر وابسته (تمدن‌سازی اسلامی) را پوشش می‌دهد و درصد باقی‌مانده ناشی از سایر عوامل تأثیرگذار در این زمینه است.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد مؤلفه صیانت از دین در ارتقای تمدن نوین اسلامی در مقوله پیشگیری از جرم تأثیرگذار است.

جدول ۸- نتایج آزمون رگرسیون

سطح معناداری	T	Beta	Bضریب	F	R2	R	مؤلفه تأثیرگذار
۰/۰۰۰	۱۸/۰۰	۰/۹۸	۰/۸۶	۳۱۹۲/۰۵	۰/۹۶	۰/۹۸	صیانت از دین

داده‌های موجود در جدول فوق حاکی از میزان تأثیر صیانت از دین بر تمدن‌سازی اسلامی است که با توجه به $f=3192/05$ ، $r=0/98$ و مقدار $T=18/00$ و سطح معناداری ($sig<0/01$) به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت از نظر پاسخگویان بین صیانت از دین و روند رشد تمدن نوین اسلامی رابطه مستقیم و نسبی وجود دارد؛ به این معنی که صیانت از دین توسط کارکنان پلیس بر روند ارتقای تمدن نوین اسلامی تأثیر مثبت خواهد داشت. همچنین ضریب تعیین R^2 نشان می‌دهد متغیر مستقل (صیانت از دین) تا ۹۶ درصد متغیر وابسته (تمدن‌سازی اسلامی) را پوشش می‌دهد و درصد باقی‌مانده ناشی از سایر عوامل تأثیرگذار در این زمینه است.

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد مؤلفه دانش و سلامت کاری در ارتقای تمدن نوین اسلامی در مقوله پیشگیری از جرم تأثیرگذار است.

جدول ۹- نتایج آزمون رگرسیون

سطح معناداری	T	Beta	Bضریب	F	R2	R	مؤلفه تأثیرگذار
۰/۰۰۰	۲۲/۴۲	۰/۹۸	۰/۸۴	۳۸۶۹/۹۲	۰/۹۶	۰/۹۸	دانش و سلامت کاری

داده‌های موجود در جدول فوق حاکی از میزان تأثیر دانش علمی و سلامت کاری پلیس بر روند رشد تمدن‌سازی اسلامی است که با توجه به $f=3869/92$ ، $r=0/98$ و مقدار $T=22/24$ و سطح معناداری ($sig<0/01$) به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که از نظر پاسخگویان، بین ارتقای دانش و سلامت کاری پلیس و روند رو به رشد تمدن نوین اسلامی رابطه مستقیم و نسبی وجود دارد؛ به این معنا که افزایش دانش و سلامت کاری پلیس می‌تواند باعث بهبود پیشگیری از جرم در جهت روند رو به رشد تمدن نوین اسلامی شود. همچنین ضریب تعیین R^2 نشان می‌دهد متغیر مستقل (دانش و سلامت کاری) تا ۹۶ درصد متغیر وابسته (تمدن‌سازی اسلامی) را پوشش می‌دهد و درصد باقی‌مانده ناشی از سایر عوامل تأثیرگذار در این زمینه است.

فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد مؤلفه پای‌بندی به ارزش‌های رفتاری در ارتقای تمدن نوین اسلامی در مقوله پیشگیری از جرم تأثیرگذار است.

جدول ۱۰- نتایج آزمون رگرسیون

سطح معناداری	T	Beta	Bضریب	F	R2	R	مؤلفه تأثیرگذار
۰/۰۰۰	۱۸/۰۰	۰/۹۸	۰/۸۶	۳۱۹۲/۰۵	۰/۹۶	۰/۹۸	پای‌بندی به ارزش‌های رفتاری

داده‌های موجود در جدول فوق نشان‌دهنده میزان پای‌بندی پلیس به ارزش‌های رفتاری و تأثیر آن در پیشگیری از جرم به منظور افزایش روند رو به رشد تمدن نوین اسلامی است که با توجه به $f=3192/05$ ، $r=0/98$ و مقدار $T=18/00$ و سطح معناداری ($sig<0/01$) به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت از نظر پاسخگویان، بین پای‌بندی پلیس به ارزش‌های رفتاری و تمدن نوین اسلامی رابطه مستقیم و نسبی وجود دارد؛ به این معنی که پای‌بندی اثربخش پلیس به ارزش‌های رفتاری بر پیشگیری از جرم و به تبع آن روند تمدن نوین اسلامی تأثیر مثبت خواهد داشت. همچنین ضریب تعیین R^2 نشان می‌دهد متغیر مستقل (پای‌بندی به ارزش‌های رفتاری پلیس اسلامی) تا ۹۶ درصد متغیر وابسته (تمدن‌سازی اسلامی) را پوشش می‌دهد و درصد باقی‌مانده ناشی از سایر عوامل تأثیرگذار در این زمینه است.

فرضیه اصلی: به نظر می‌رسد مؤلفه‌های انتظام‌بخش در ارتقای تمدن نوین اسلامی در مقوله پیشگیری از جرم تأثیرگذار است.

جدول ۱۱- نتایج آزمون رگرسیون

ملک	مؤلفه‌ها و شاخص‌های انتظام‌بخش	R	اولویت	۲B
تمدن نوین اسلامی	التزام به قانون	۰/۹۸۱	۱	۰/۹۲۳
	مشارکت مردمی	۰/۹۷۷	۲	
	صیانت از دین	۰/۹۷۶	۳	
	دانش و سلامت کاری	۰/۹۷۴	۴	
	پایبندی به ارزش‌های رفتاری	۰/۹۶۸	۵	

داده‌های موجود در جدول فوق حاکی از میزان همبستگی متغیرهای پیش‌بینی‌شده با متغیر ملاک است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، همه مؤلفه‌ها بیشترین همبستگی را با متغیر ملاک (تمدن نوین اسلامی) دارند. ضریب تعیین کل نشان می‌دهد متغیرهای مورد مطالعه ۹۲/۳ درصد تغییرات متغیر ملاک را پوشش می‌دهند و کمتر از ۸ درصد تغییرات مربوط به عوامل دیگر است.

در ضمن بررسی همبستگی بین مؤلفه‌های انتظام‌بخش و تمدن نوین اسلامی در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۱۲- بررسی همبستگی بین مؤلفه‌های انتظام‌بخش و تمدن نوین اسلامی

متغیر وابسته (تمدن نوین اسلامی)		
التزام به قانون (قانون‌گرایی)	ضریب همبستگی	۰/۳۲
	سطح معناداری	۰/۰۰
مشارکت مردمی	ضریب همبستگی	۰/۲۲۸
	سطح معناداری	۰/۰۰
صیانت از دین	ضریب همبستگی	۰/۳۶۳
	سطح معناداری	۰/۰۰
دانش و سلامت کاری	ضریب همبستگی	۰/۱۷
	سطح معناداری	۰/۰۰
پایبندی به ارزش‌های رفتاری	ضریب همبستگی	۰/۱۶
	سطح معناداری	۰/۰۰

داده‌های موجود در جدول فوق حاکی از ضریب همبستگی و سطح معناداری بین مؤلفه‌های انتظام‌بخش و تمدن نوین اسلامی است. با تأکید بر اینکه مقدار $t=۸/۴۷۶$ در سطح $\alpha=۰.۰۵$ از نظر آماری معنادار است، با احتمال ۹۵ درصد، همه فرضیه‌های پژوهش حاضر تأیید می‌شوند؛

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت از دیدگاه اعضای جامعه آماری، مؤلفه‌های انتظام‌بخش ناجا با احتمال ۹۵ درصد در رشد تمدن نوین اسلامی در راستای پیشگیری از جرم تأثیرگذارند.

نتیجه‌گیری

یافته‌ها و نتایج حاصل از انجام پژوهش حاضر نشان می‌دهد:

- ناجا به عنوان یکی از ارکان مهم انتظام اجتماعی و پیشگیری از جرم در جامعه به دلیل تأثیر مستقیم بر امنیت جامعه و در نهایت، امنیت حاکمیت، نیازمند الگویی امنیت‌ساز در حوزه انتظام اجتماعی و مدیریت پیشگیری از جرم است. در این الگو انتظام اجتماعی به عنوان محور اصلی باید خودنمایی کند و سایر عوامل را در زنجیره هم‌ارزی مناسبی مفصل‌بندی کند. البته استحکام این زنجیره بر مبنای ارزش‌های تمدن نوین اسلامی امکان‌پذیر است. زمانی این مهم حاصل می‌شود که انتظام اجتماعی در پیشگیری از جرم در مسیر درست خود (هدایت از طریق مؤلفه‌ها و پارامترهای تمدن نوین اسلامی) قرار گیرد.

- براساس آزمون آماری، ضریب همبستگی التزام پلیس به قانون (قانون‌گرایی) و روند تمدن نوین اسلامی برابر ۰/۹۵ است؛ یعنی بین این دو متغیر رابطه مستقیم وجود دارد و تغییرات دو متغیر همسو است. ضریب تعیین $۰/۹۱۰ = ۰/۹۵^2$ نشان می‌دهد التزام پلیس به قانون (قانون‌گرایی) حدود ۹۱ درصد می‌تواند در پیشگیری از جرم و به تبع آن در مسیر رو به رشد تمدن نوین اسلامی تأثیرگذار باشد. همچنین ضریب همبستگی بین مشارکت مردمی و تمدن نوین اسلامی برابر ۰/۹۷ است؛ یعنی بین این دو متغیر رابطه مستقیم وجود دارد و تغییرات دو متغیر همسو است. ضریب تعیین $۰/۹۴۱ = ۰/۹۷^2$ نشان می‌دهد مشارکت دادن مردم در ایجاد انتظام اجتماعی و پیشگیری از جرم می‌تواند حدود ۹۴ درصد بر متغیر تمدن نوین اسلامی تأثیرگذار باشد. ضریب همبستگی بین متغیرهای صیانت از دین و تمدن‌سازی اسلامی برابر ۰/۹۸ است؛ یعنی بین دو متغیر مذکور رابطه مستقیم وجود دارد و تغییرات دو متغیر همسو است. ضریب تعیین $۰/۹۶۳ = ۰/۹۸^2$ نشان می‌دهد صیانت پلیس از دین می‌تواند حدود ۹۶ درصد در پیشگیری از جرم و به تبع آن ارتقای تمدن نوین اسلامی تأثیرگذار باشد. همچنین ضریب همبستگی بین دانش و سلامت کاری و تمدن‌سازی اسلامی برابر ۰/۹۸ است؛ یعنی بین این دو متغیر رابطه مستقیم وجود دارد و تغییرات دو متغیر همسو است. ضریب تعیین $۰/۹۶۲ = ۰/۹۸^2$ نشان می‌دهد که دانش و سلامت کاری پلیس حدود ۹۶ درصد می‌تواند در پیشگیری از جرم

و به تبع آن بر متغیر تمدن نوین اسلامی تأثیرگذار باشد. ضریب همبستگی بین پایبندی به ارزش‌های رفتاری و تمدن نوین اسلامی برابر $0/98$ است؛ یعنی بین این دو متغیر نیز رابطه مستقیم وجود دارد و تغییرات دو متغیر همسو است. ضریب تعیین $0/961 = 0/98^2$ نشان می‌دهد پایبندی به ارزش‌های رفتاری حدود ۹۶ درصد می‌تواند در پیشگیری از جرم و به تبع آن بر تمدن نوین اسلامی تأثیرگذار باشد.

بنابراین، نتایج و یافته‌های حاصل، همه فرضیه‌های این پژوهش را تأیید کرده است و با توجه به ضریب همبستگی و ضریب تبیین مؤلفه‌های انتظام‌بخش به ترتیب مؤلفه التزام به قانون (قانون‌گرایی)، مشارکت مردمی، صیانت از دین، دانش و سلامت کاری و پایبندی به ارزش‌های رفتاری بیشترین تأثیر را بر روند تمدن نوین اسلامی در مقوله پیشگیری از جرم دارند.

- بر اساس تحلیل آماری صورت‌گرفته در پژوهش حاضر، واکنش جامعه آماری در مورد مؤلفه‌های مد نظر، مثبت ارزیابی می‌شود. همچنین با توجه به آزمون t صورت‌گرفته، میزان اثربخشی مؤلفه‌های انتظام‌بخش در تمدن نوین اسلامی در مقوله پیشگیری از جرم مثبت برآورد شده است. به عبارت دیگر، مؤلفه‌های مورد مطالعه، اثربخشی قابل قبولی در پیشگیری از جرم و به تبع آن، در روند ارتقای تمدن نوین اسلامی در جامعه دارند.

- نتایج حاصل از بررسی تحلیلی جامعه مورد مطالعه حاکی است هر اندازه مؤلفه‌های انتظام‌بخش به صورت منسجم‌تر و پویاتر انجام گیرد، به همان مقدار کارایی پلیس در پیشگیری از جرم در جامعه و به تبع آن، روند رو به رشد تمدن نوین اسلامی افزایش خواهد یافت. همچنین هر قدر مؤلفه‌های انتظام‌بخش در سازمان پلیس به صورت عملی و علمی نهادینه شود، به همان اندازه ناجا می‌تواند در پیشگیری از جرم و به تبع آن، ارتقای تمدن نوین اسلامی در جامعه تأثیرگذار باشد. بنابراین می‌توان گفت اجرای منسجم و با کیفیت مؤلفه‌های انتظام‌بخش در جامعه توسط پلیس، می‌تواند موجبات پیشگیری از جرم و به تبع آن، روند رو به رشد تمدن نوین اسلامی در جامعه را فراهم سازد.

پیشنهادها

به منظور ارتقای میزان اثربخشی مؤلفه‌های انتظام‌بخش بر روند رو به تحقق تمدن نوین اسلامی در حوزه پیشگیری از جرم، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

- توجه بیشتری به افزایش کمی و کیفی این مؤلفه‌ها شود و به مؤلفه‌های انتظام اجتماعی به منظور پیشگیری از جرم و تحقق تمدن نوین اسلامی به عنوان نوعی سرمایه در ناجا نگریسته شود.

- فرصت مشارکت مردمی در بسترسازی انتظام اجتماعی و فرصت ابراز عقیده و نظر شهروندان درباره مؤلفه‌های تأثیرگذار در ایجاد انتظام اجتماعی به منظور پیشگیری از جرم و تحقق تمدن نوین اسلامی فراهم شود.

- قبل از انتخاب مهم‌ترین مؤلفه‌های انتظام اجتماعی، نیازسنجی دقیق از افراد جامعه انجام گیرد.

- مؤلفه‌های انتظام‌بخش در ناجا با توجه به مقتضیات جامعه نوین اسلامی و متناسب با نیازهای ضروری شهروندان به منظور پیشگیری از جرم و ارتقای تمدن نوین اسلامی طراحی و تدوین شود.

- شفافیت در ملاک ارزشیابی عملکرد کارکنان ناجا، عامل مهمی است که توجه به آن می‌تواند موجبات اثربخشی مؤلفه‌های انتظام‌بخش را در پیشگیری از جرم و به تبع آن، ارتقای تمدن نوین اسلامی فراهم کند.

- استادان دانشگاه‌ها، خبرگان و صاحب‌نظران در حوزه انتظام اجتماعی با سازمان ناجا همکاری کنند و فضای ارزشی مثبتی را برای پیشگیری از جرم به منظور ارتقای تمدن نوین اسلامی فراهم آورند.

- ایجاد حس احترام متقابل بین شهروندان و پلیس و همچنین ایجاد جوی سالم و صمیمی برای رشد و شکوفایی عملکرد کارکنان پلیس در انتظام اجتماعی و پیشگیری از جرم در جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

- طراحی مدل تعالی آموزش کارکنان پلیس یکی از عوامل مؤثر بر اثربخشی مؤلفه‌های انتظام‌بخش برای پیشگیری مؤثر از جرم و به تبع آن، ارتقای تمدن نوین اسلامی است. این مدل منبع جامعی برای برنامه‌ریزی ناجا در حوزه انتظام اجتماعی و مدیریت پیشگیری از جرم به شمار می‌رود؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود راهکارهای لازم به منظور کاربردی کردن

آموزش‌های انتظامی و طراحی مدل تعالی آموزش کارکنان در راستای ارتقای تمدن‌سازی اسلامی در دستور کار ناجا قرار گیرد.

- در انتخاب کارکنان پلیس برای برقراری انتظام اجتماعی در جامعه، به سه شاخص اصلی (تخصص، توانایی در برقراری ارتباط و آشنایی با وظایف ناجا) توجه و ترتیبی اتخاذ شود تا کارکنان متناسب با دانش، تخصص و تجربه خود در ایجاد انتظام اجتماعی و پیشگیری از جرم در جامعه نوین اسلامی فعالیت و نقش داشته باشند.

- فرماندهان و مدیران ناجا هنگام تدوین راهبردها و خط‌مشی‌های پلیس، به مؤلفه‌های انتظام‌بخش در حوزه پیشگیری از جرم و ارتقای تمدن نوین اسلامی توجه ویژه داشته باشند.

- با توجه به نیازهای امروزی جامعه پیشنهاد می‌شود قوانین و مقررات مربوط به انتظام اجتماعی در جامعه مورد بازنگری قرار گیرد و متناسب با شرایط فعلی جامعه، مؤلفه‌های انتظام‌بخش در حوزه پیشگیری از جرم برای ارتقای تمدن نوین اسلامی طراحی و تدوین شود.

- مشارکت‌های مردمی به منظور انتظام اجتماعی و پیشگیری از جرم در جامعه برای ارتقای تمدن نوین اسلامی مد نظر مسئولان قرار گیرد.

منابع فارسی

- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمی، تهران: انتشارات پیراسته.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- آدمی، ابرقویی (۱۳۸۷)، درآمدی بر دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی؛ بایسته‌های نظری، مقدمه محمدباقر خرمشاد، تهران: انتشارات دفتر برنامه‌ریزی و مطالعات فرهنگی.
- ابن‌خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۱)، مقدمه، ترجمه محمدپروین گنابادی، چ ۸، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن‌کثیر، اسماعیل عمرو (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، ج ۶، تحقیق محمدحسین شمس‌الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- الوسی، سیدمحمود (۱۴۱۵ق)، روح‌المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۰، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بابایی، حبیب‌اله (۱۳۹۰)، تمدن و تجدد، قم: پژوهشگاه علوم فرهنگ اسلامی.
- تافلر، الوین (۱۳۷۰)، تغییر ماهیت قدرت، ترجمه شاهرخ بهار و حسن نورانی، تهران: کتاب.
- تقی‌نیا، الهام، نصیرعلی صوفی و فرشته رستمی (۱۳۹۳)، «شاخصه‌های تمدن اسلامی از منظر آیات و روایات»، فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، دوره ۳، ش ۲۰.
- جان احمدی، فاطمه (۱۳۸۸)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: انتشارات نشر معارف.
- جهان‌بین، فرزاد و مسعود معینی پور (۱۳۹۳)، «فرآیند تحقق تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۱۱، ش ۳۶.
- خامنه‌ای، سید علی (حضرت آیت‌الله العظمی (دام عزه العالی))، بیانات، برگرفته از سایت: www.ir.khamenei.ir
- ساوه درودی، مصطفی (۱۳۹۵)، «گفتمان هندسه قدرت در معماری ناجای آینده»، فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، س اول، ش ۴، زمستان.
- سپهری، محمد (۱۳۸۵)، تمدن اسلامی در عصر امویان، تهران: نورالثقلین.
- شفیعی، نوذر و فاطمه رضایی (۱۳۹۱)، «نقد و ارزیابی نظریه سازهانگاری»، مجله علمی- تخصصی پژوهش‌های سیاسی، س اول، ش ۴، تابستان.

- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳ و ۱۴، ترجمه موسوی همدانی و سید محمدباقر، ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، مترجمان، تحقیق رضا ستوده، تهران: فراهانی.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳)، نظریه‌های امنیت (مقدمه‌های بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی)، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر علوی.
- عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، ج اول، تهران: انتشارات اشجع.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰)، سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی، تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.
- فوزی، یحیی و محمودرضا صنم زاده (۱۳۹۱)، «تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی، س ۳، ش ۹.
- قربانی، زین العابدین (۱۳۷۰)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی.
- لای، مک کین و آردی آر. لیتل (۱۳۸۰)، امنیت جهانی، رویکردها و نظریه‌ها، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: پژوهشگاه مطالعات راهبردی.
- محسنی، رضا علی (۱۳۸۹)، «تحلیل جامعه‌شناختی امنیت اجتماعی و نقش آن در کاهش جرم و آسیب‌های اجتماعی»، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، س ۲، ش ۴.
- مدنی بجستانی، محمد (۱۳۷۴)، مقابله با تهاجم فرهنگی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- مرکز مطالعات راهبردی ناجا (۱۳۹۶)، «نظریه تمدن اسلامی و انتظام اجتماعی»، معاونت دانش، پژوهش و اطلاع‌رسانی، س ۲، شهریور.
- معینی‌پور، مسعود و رضا لک زایی (۱۳۹۱)، «ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری»، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، س ۹، ش ۲۸.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (امام (ره)) (۱۳۷۷)، شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- نصیری، حسین (۱۳۸۴)، «امنیت ملی پایدار»، ماهنامه اطلاعات سیاسی- اقتصادی، مرداد و شهریور.

- ورعی، جواد (۱۳۸۷)، امام خمینی و احیای تفکر دینی، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۴)، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۱، چ ۳، تهران: وزارت امور خارجه.

منابع انگلیسی:

-The Position of Regulatory Components in Promoting Modern Islamic Civilization in Crime Prevention

